

یکی از اصوات آرمونه‌های زبان هنجار، انحراف از قواعد حاکم بر آن است که «فرهنجاری» یا «هنجار گریزی» نام گرفته است. هنجار گریزی که از مؤثرترین روش‌های برجستگی زبان و آشنایان در شعر و نثر است، از موضوعات مهم نقد ادبی بودن به حساب می‌آید و بسیاری از خالقان اثر از آن بهره‌گرفته‌اند.

یکی از این خالقان، سراینده خوش ذوق و فریجه، استاد قیصر امین‌پور است که با اعمال پرداخته در واپسین اثر خود «دستور زبان عشق» به برجسته‌سازی زبان ادبی کلام خود سخن خویش توجه نشان داده است. در کتاب‌های درسی متوسطه نیز از این شاعر ارجمند آثاری انتخاب گردیده که با معنای بی‌شکوه شعری وی را نشانگر است.

نگارنده برای دستیابی به ویژگی‌های برجسته‌سازی شعر امین‌پور، به واکاوی هنجار گریزی و هشت عدد آن مطابق با نظریه لیچ، زبان‌شناس انگلیسی، در مجموعه شعر «دستور زبان عشق» پرداخته و رویکردهای زبان‌شناختی، سبک‌شناختی و شعردهای برجسته‌سازی آن را از دید هنجار گریزی بیان کرده است.

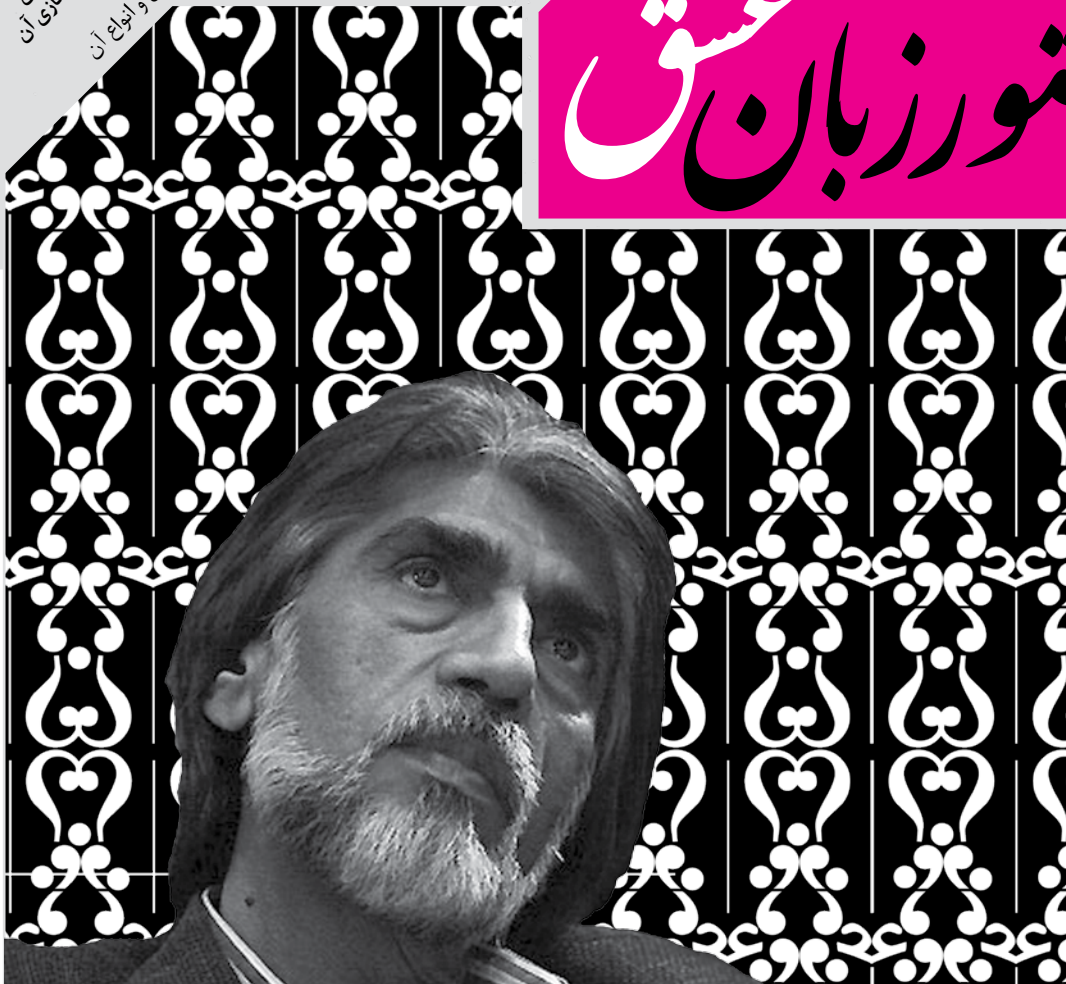
کلیدواژه‌ها: قیصر امین‌پور، دستور زبان عشق، هنجار گریزی و انواع آن



سولماز مظفری  
دانشجوی دکترای زبان و ادب فارسی و  
دبیر ادبیات دبیرستان‌ها و مدرس دانشگاه آزاد شیراز

واکاوی هنجار گریزی در عشق

# دستور زبان عشق



#### مقدمه

در حال حاضر پژوهش‌های ادبی مبتنی بر نظریات ادبی معاصر با استفاده از امکانات رایج در علم زبان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن هستند. یکی از نظریات مورد بحث امروزی «برجسته‌سازی کلامی و دو نوع آن در آثار ادبی» است که نظر بسیاری از نویسندگان و منتقدان معاصر را به خود معطوف ساخته است. در ادبیات و نظریه‌های ادبی نوین آنچه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ زیبایی و هنری بودن اثر و جنبه‌های متفاوت آن است. در واقع، شاعر به برجسته‌سازی سازه‌های اثر توجه شایانی نشان می‌دهد تا آفریده خود را به درجه برجستگی و تمایز برساند. گفتنی است نویسندگان و منتقدان بسیاری از ابعاد مختلف به اشعار امین‌پور توجه نشان داده‌اند و آثاری نگاشته‌اند اما در خصوص هنجارگریزی در شعر قیصر امین‌پور تاکنون، کار مستقل و مدونی صورت نگرفته است.

این نوشتار نتیجه پژوهشی است که به واکاوی انواع هنجارگریزی از دید لیچ، زبان‌شناس انگلیسی، در آخرین مجموعه شعر قیصر امین‌پور می‌پردازد و برای

هر کدام از انواع هنجارگریزی - واژگانی، زمانی، سبکی، گویشی، معنایی و... - شواهد شعری ارائه می‌دهد و سروده‌های این مجموعه را به نقد و واکاوی می‌نشیند.

#### بحث و بررسی

ادبیات، هنر آرایش و پیرایش کلام است؛ به نحوی که صورت آن زیباتر و پیام آن تأثیرگذارتر گردد. گوینده به‌طور ارادی و آگاهانه از صورت‌های ویژه زبانی استفاده می‌کند و زبان روزمره و معیار را دگرگون می‌سازد و با این روش به اصطلاح دست به عمل برجسته‌سازی صورت‌های زبانی می‌زند و در نهایت به وادی ادبیات و کلام موزون وارد می‌گردد (افخمی، ۱۳۸۰: ۲۰۸). آنچه در نگاه اول مهم به‌نظر می‌رسد، زیبایی سخنی است که گوینده با دیدی کلی آن را بیان و دنبال می‌کند. نظریه‌هایی که در تعریف هنر و زیبایی بیان شده، دو نوع‌اند: یکی ذهنی (درونی) و دیگری عینی (بیرونی) اما آنچه در اینجا مدنظر است، برجسته‌سازی کلامی است که منجر به زیبایی زبان ادبی شعر و هنری شدن آن می‌گردد. نخستین بار صورت‌گرایان

او کی بیان‌ش ساده و روان است،  
طراوت و نوین‌گرایی را در بیان و  
زبان به کار می‌گیرد و در چینی و  
واژگان، معماری بی‌نظیری از خود به  
یادگار می‌گذارد

(فرمالیست‌ها) بحث «برجسته‌سازی» را مطرح کردند و نظریات گوناگونی در این مورد ارائه دادند. از جمله این افراد می‌توان اشکولوفسکی و موکارفسکی، نظریه‌پرداز مکتب پراگ، و بعدها لیچ، زبان‌شناس انگلیسی، را نام برد. در این جستار بحث از برجسته‌سازی کلامی مجموعه شعر «دستور زبان عشق» قیصر امین‌پور با رویکرد هنجارگریزی مبتنی بر نظریات لیچ است. لیچ در رویکردی زبان‌شناختی به بررسی شعر انگلیسی، هنجارگریزی را از ابزار شعرآفرینی می‌داند. وی هنجارگریزی و قاعده‌افزایی را دو مجرای اساسی و کلی برای برجسته‌سازی کلامی می‌خواند.

#### برجسته‌سازی

برجسته‌سازی<sup>۲</sup> عبارت است از به کارگیری عناصر زبان به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند و غیرمتعارف باشد. برجسته‌سازی انحراف از زبان معیار است؛ هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. موکارفسکی برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و معتقد است که هر اندازه فرایندی آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کمتری برخوردار است... در فرایند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرار گیرند که البته از بین این عوامل دو اصل «رسانگی» و «زیباشناسی» اهمیت بیشتری دارند. (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۰-۳۶)

برجسته‌سازی ادبی به دو شکل امکان‌پذیر است: نخست آنکه نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار (عادی و غیرادبی) انحراف هنری صورت پذیرد، که این را هنجارگریزی می‌نامند و دوم آنکه قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود. به این ترتیب، برجسته‌سازی از طریق دو شیوه هنجارگریزی و قاعده‌افزایی تجلی خواهد یافت (همان: ۴۳). گفتنی است که برجسته‌سازی فرایندی است که صورت‌گرایان روس مطرح کرده و آن را از عوامل به وجودآورنده زبان ادبی خوانده‌اند: «این برجسته‌سازی یا به شکل قاعده‌افزایی یعنی افزودن چیزی بر برونه زبان مانند وزن‌های عروضی، یا به شکل هنجارگریزی یا قاعده‌کاهی یعنی حرکت از حالت هنجار و معمول زبان و آفریدن صورت‌های بدیع، شکل می‌گیرد.» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۸۶ و ۸۷). به بیانی دیگر، هر نوع انحراف از فرم خودکار زبان و ایجاد دگرگونی در ساختار کلامی به‌نحوی که زیبایی را در سخن رقم بزند، برجسته‌سازی نامیده می‌شود. لیچ دو گونه از برجسته‌سازی را ممکن می‌داند: ۱. انحراف از قواعد حاکم بر زبان خودکار، ۲. قاعده‌افزایی.

البته شفیفی کدکنی انواع برجسته‌سازی را به دو گروه موسیقایی و زبان تقسیم می‌کند (دزفولیان: ۵۶). هدف غایی برجسته‌سازی، آفرینش سازه‌های ادبی در محورهای جان‌نشینی و هم‌نشینی واژگان است. آفرینش زیبایی ادبی خود فرایندی گسترده و پیچیده است که در گرو ذهن خلاق است. این ذهن خلاق است که دست به برجسته‌سازی می‌زند. آنچه در این جستار مورد واکاوی و بحث قرار می‌گیرد، «هنجارگریزی و انواع آن از دیدگاه لیچ» است که در مجموعه شعر «دستور عشق» استاد قیصر امین‌پور اعمال گردیده است.

#### قیصر امین‌پور و «دستور زبان عشق»

دکتر قیصر امین‌پور (گنوند-دزفول، ۱۳۳۸) شاعر، نویسنده و مدرس دانشگاه، با مضمون‌یابی‌ها و نکته‌پردازی‌های بی‌نظیر خود، با اعمال هوشیاری و دقت نظری بی‌نظیر در زبان شعری خود، نازک، هنری و ادبی می‌اندیشد و ادبی می‌سراید. او که بیان‌ش ساده و روان است، طراوت و نوین‌گرایی را در بیان و زبان به کار می‌گیرد و در چینش واژگان، معماری بی‌نظیری از خود به یادگار می‌گذارد. آخرین مجموعه شعر وی «دستور زبان عشق» حاکی از بیان ساده و صمیمی و قدرت گزینش واژگان و توجه شایان وی به برجسته‌سازی سازه‌های کلامی است. وی با به‌گزینی واژگان و معماری آن‌ها در کمال هنرمندی، مجموعه‌ای جاودانه از خود به یادگار گذاشته است. یادش گرامی و مانا.

#### هنجارگریزی یا قاعده‌کاهی (Deviation)

فراهنجاری (= سامان‌گریزی، قاعده‌کاهی، هنجارگریزی) گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت و هماهنگی معانی با زبان خودکار است. فراهنجاری نمی‌تواند هرگونه گریز از قواعد زبان هنجار باشد؛ زیرا بعضی از هنجارگریزی‌ها به ساخت‌های نازیبایی منجر می‌شوند که نمی‌توان آن‌ها را ابداع ادبی زیبا به حساب آورد. فراهنجاری انواع گوناگونی دارد چون: آوایی، باستان‌گرایی سبکی، گویشی، معنایی، دستوری، نوشتاری و واژگان (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۵-۴۲). گریز از هنجارها اگر عالمانه، زیبا و هنجارمند باشد، گذشته از شکوفایی، بالندگی و استمرار حیات شعر، به غنای زبان نیز کمک می‌کند (روحانی، ۱۳۸۸: ۷). آنچه صفوی به‌عنوان انواع هنجارگریزی برمی‌شمرد، درواقع برگرفته از نظریات لیچ است. وی این نوع برجسته‌سازی را در ۸ دسته معرفی می‌کند: ۱. هنجارگریزی واژگانی، ۲. هنجارگریزی نحوی، ۳. هنجارگریزی آوایی، ۴. هنجارگریزی زمانی، ۵. هنجارگریزی سبکی، ۶.

هنجار‌گریزی گویشی، ۷. هنجار‌گریزی نوشتاری و ۸. هنجار‌گریزی معنایی. هنجار‌گریزی را نباید با قاعده‌افزایی یکسان دانست؛ هنجار‌گریزی‌ها از لوازم شعر به حساب می‌آیند و از لحاظ ماهوی از قاعده‌افزایی جدا و متمایزند. هنجار‌گریزی دست به آفرینش شعر می‌زند، در حالی که قاعده‌افزایی خلق توازن و نظم حاضر در زبان را بر عهده دارد. در این جستار نگارنده با معرفی انواع هنجار‌گریزی، نمونه‌هایی از آن‌ها را در آخرین مجموعه شعر قیصر امین‌پور «دستور عشق» دکومی‌کند

#### الف. هنجار‌گریزی واژگانی

گاه شاعر دست به ساخت واژگان تازه با گریز از شیوه‌های معمولی ساختن واژه در زبان هنجار می‌زند. این نوع هنجار‌گریزی بر شکوه، طنطنه، شگفتی و تأثیر شعر می‌افزاید و باعث غنای زبان می‌شود؛ چراکه بسیاری از این واژه‌ها آرام‌آرام جذب زبان می‌شوند و در نتیجه اعتبار ادبی آن‌ها به نفع زبان از دست می‌رود. هنجار‌گریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد. (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۹). این نوع هنجار‌گریزی در اشعار قیصر امین‌پور بسامد اندکی دارد. امین‌پور هر چند به مضمون‌پردازی توجه نشان داده اما در کنار آن گاه به واژه‌سازی نیز دست زده است. نمونه‌هایی از هنجار‌گریزی واژگانی در دستور عشق قیصر امین‌پور:

- گریز از میانمایگی / آرزویی بزرگ است؟ (آرزوی

بزرگ: ۲۷)

- ای شکوه بی‌کران اندوه من! آسمان دریای جنگل کوه من! (قدرانده: ۴۴)

- هر چه شد انبوه‌تر گیسوی تو، می‌شود اندوه‌تر اندوه من! (قدرانده: ۴۴)

و نمونه دیگر هنجار‌گریزی واژگانی: حجره‌فروشی (۱) (۹۷)

#### ب. هنجار‌گریزی نحوی

گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان هنجار را هنجار‌گریزی نحوی می‌گویند. شاعر با جابه‌جا کردن سازه‌های تشکیل‌دهنده جمله و برهم‌زدن آرایش قواعد زبان هنجار، زبان خود را نسبت به زبان هنجار برجسته می‌سازد. (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۱). در شعر زیر از مهدی اخوان ثالث با کاربرد صفت پس از ضمیر ملکی نوعی عدول از هنجار نحوی صورت گرفته است:

.. هیچستان نه توی فراخ این غبار آلود بی‌غم را / با

چکاچاک مهیب تیغ‌هامان، تیز/ غزش زهره‌دران کوس‌هامان، سهم پرش خارا شکاف تیرهامان، تند؛ نیک بگشاییم (آخر شاهنامه: ۱۱۴)

این عدول از هنجار را در چند مورد در شعر قیصر امین‌پور نیز می‌بینیم:

- جابه‌جایی صفت و موصوف که صفت تفضیلی «بی‌چراتر» پیش از موصوف مذکور است:

بفرمایید تا این بی‌چراتر کار عالم؛ عشق/ رها باشد از این چون و چرا و چندهای ما (بفرماید: ۴۰)

- جابه‌جایی مضاف و مضاف‌الیه که به جای «موسیقی چشم» این‌گونه آمده است:

آیینۀ موسیقی چشم تو باران/ پژواک رنگ و بوی گل، موج صدایت (غزل شرقی: ۴۲)

#### پ. هنجار‌گریزی زمانی

یکی از شگردها و شیوه‌های شاعرانه که به نوعی عدول از هنجار محسوب می‌گردد، به کار بردن سازه‌هایی است که در زبان خودکار رایج نیستند و در واقع واژگانی هستند که در گذشته متداول بوده‌اند. سپس با گذر زمان مرده‌اند یا اکنون کاربرد کمی دارند. به این نوع هنجار‌گریزی، باستان‌گرایی نیز می‌گویند: «زیرا شاعر می‌تواند از گونه زمانی زبان هنجار بگریزد و صورت‌هایی را به کار ببرد که پیش‌تر در زبان متداول بوده‌اند و امروزه واژه‌ها و ساخت‌های نحوی کهنه‌اند» (صفوی، ۵۴: ۱۳۷۳) از جمله شاعران معاصر که به این نوع قابلیت برجسته‌سازی توجه شایانی داشته‌اند، می‌توان مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو را نام برد.

- سفری دشخوار و تلخ / از دهلیزهای خم اندر خم و / پیچ اندر پیچ / از بی هیچ (شاملو / ققنوس در باران: ۶۱۸) گل به گل ابر سترون در زلال آبی روشن / رفته تا بام بزمین

چون آبگینه پلکان، پیداست (اخوان ثالث / طلوع: ۱۳۲) امین‌پور نیز به واژگان کهن توجه نشان داده و برخی از آن‌ها را در سروده‌هایش آورده است. این مسئله نتیجه توغل وی در متون کهن و آشنایی‌اش با سازه‌های قدیمی سخن است. امین‌پور این دسته از واژگان را در جای مخصوص به خود به گونه‌ای به کار برده که شعر وی را - چه در قالب نو و چه در قالب سنتی - برجسته و متمایز ساخته است. این نوع واژگان بیشتر در اسم و فعل دیده شده است.

هنجار‌گریزی زمانی را می‌توان در دسته‌های زیر مورد واکاوی قرار داد و نمونه‌هایی را جست‌وجو کرد.

دنباله مطلب در وبگاه نشر به

یکی از شگردها و شیوه‌های شاعرانه که به نوعی عدول از هنجار محسوب می‌گردد، به کار بردن سازه‌هایی است که در زبان خودکار رایج نیستند و در واقع واژگانی هستند که در گذشته متداول بوده‌اند